

مردم تربت جام در پناه امام‌رضا(ع)



هوای استخوان‌سوز زمستان و کاهش شدید دما باعث شد گاز بعضی نقاط استانمان به‌ویژه تربت جام قطع شود و مشکلات زیادی برای مردم به‌وجود بیاید. با انتشار این خبر، بلافاصله خادمان امام‌رضا(ع) پای کار آمدند تا نگذارند مردم عزیز تربت جام سختی بکشند. از همان لحظه‌های اولیه خادمایران رضوی از مشهد عازم تربت جام شدند و در کمترین زمان ممکن آشپزخانه‌ای موقتی برای پخت و پز برپا کردند و در روز نخست ۱۰هزار وعده غذا شامل ۵هزار وعده ناهار و ۵هزار وعده شام طبخ و بین مردم توزیع شد.

وقتی پای حفاظت از مرز و بوم کشورمان در میان باشد، سرمای زیر صفر معنایی ندارد

پاسداری از وطن در دمای ۲۷-

مهدی زاده- شهامت



روایت‌از جایی است‌که ایران شروع می‌شود، از ابتدای خاک مادری، ایستاده‌در میان برف و کولاک، از نقطه‌صفر مرزی تادمای ۲۷درجه زیر صفر. در نقطه‌صفر مرزی کمین می کنند، گشت می‌زنند و دیده‌بانی می کنند تا یک وجب‌از این‌خاک به‌یغمانرود. می‌گویند نفس‌هایشان در این موج‌سرماء در دمای منفی ۲۷درجه‌مرز سرخس در هوا یخ می‌زند. می‌گویند در دل بیابان‌های لب‌مرز و در کمین‌هایشان دستکش و کلاه جوابگو نیست. دست‌ها و پاهایشان از سرما گزگز می‌کند، اما با غرور لب مرز ایستاده‌اند. قرار گفت‌وگویمان با فرمانده مرزبانی استان خراسان رضوی و جمعی از سربازان هنگ مرزی سرخس در پاسگاه شهید سلیمانی است؛ جایی در شمال شرقی ترین شهر ایران، درست مرز میان ایران و ترکمنستان که این شب‌وروزهای زمستان تادمای منفی ۲۷درجه‌را هم تجربه کرده است.

بازدید در نیمه‌شب زمستانی

حکایت بازدیدي سرزده است، چند دقیقه مانده به نیمه‌شب‌ودر سرمایي استخوان‌سوز، آن‌قدر که هوای آزاد را بیش از چنددقیقه نمی‌شد تاب آورد. کسانی که در نقطه صفر مرزی سرمای این شب‌وروزها را با امکاناتی حداقلی تحمل می‌کنند، تصورش را هم نمی‌کردند در چنین ساعتی با حضور مهمانانی روبه‌رو شوند که این همه راه را برای گفتن خداقوت واحوال‌پرسی آمده‌باشند. مهمان، فرمانده مرزبانی خراسان‌رضوی‌بود و میزبانان، سربازها و دیگر نیروهای هنگ مرزی سرخس، همان‌هایی که وضعیت این روزهای بسیاری از کارمندان ادارات (خواه دورکار بنامیم، خواه بیکار) شامل حالشان نمی‌شود و هشیارتر از همیشه به‌انجام خدمت مشغول‌اند. سردار مجید شجاع می‌گوید عمدا این مرز را برای بازدید انتخاب کرده است، جایی که هنگام بازدید کمترین دما را در میان مرزهای خراسان‌رضوی داشته است. روایت آن شب و جاده‌یخ‌زده‌ای را که با سلام و صلوات طی شد، از زبان سردار این‌طور می‌شنویم: «بسیار سرد بود و تحمل اوضاع واقعا سخت. شیرهای آب و حتی سیلندهای گازشان یخ‌زده بودند و نمی‌شد یخ‌توپز کرد.

ما مردنبردیم، آماده‌رزمیم

سهیل حسنی یکی از سربازان این هنگ مرزی است که تلفنی با او گفت‌وگو می‌کنیم. صدایی پرنرژی دارد. می‌گوید اهل سرسبزترین استان کشور، گیلان است: «اهل تالش. تالش راه‌رکسی دیده، وصف سرسبزی‌اش را کرده است.» می‌گوید: «شش ماه خدمتم، چهارماه‌ونیم است که در نقطه صفر مرزی سرخس و پاسگاه شهید سلیمانی خدمت می‌کنم.»

دوره آموزشی این سرباز وظیفه نیز دور از زادگاهش بوده است: «دوره آموزشی من در پاسگاه شهیداصلان دوست‌اردبیل بود. اردبیل هم اوضاع خاصی دارد، اما نه به اندازه اینجا. پس از آن‌که دوره آموزشی‌ام تمام شد، با خودم گفتم حتما من را به مرزبانی می‌فرستند. چندنفر از همسهریان را دیده بودم که با توجه به اصل‌لشان، آنان را به دریابانی فرستاده بودند. دریابانی هم نوعی مرزبانی است، میان جملات کشمی مکث دارد. صدای پیچ‌و شبطنت‌های ریزی از پشت تلفن و در پس‌زمینه صحبت‌های این سرباز وظیفه می‌آید:

از امشب هم آستان قدس رضوی آشپزخانه دومش را در این شهرستان فعال می‌کند تا ظرفیت پخت غذا به ۲۰هزار وعده در روز برسد. به گفته جعفر رئیس‌ان زاده، معاون خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی، از همین امروز ۲۰هزار قرص نان نیز در مشهد پخته و به تربت جام ارسال می‌شود. بنیاد کرامت رضوی با مشارکت و همکاری تشکل‌های مردمی، بین ۱۰ تا ۱۵ ایستگاه صلواتی را نیز در شهرستان تربت جام برپا کرده‌اند و از مردم با چای و غذاهای سبک مانند عدسی پذیرایی می‌کنند.

مردم عزیز استان و کشورمان تاکنون در موقعیت‌های گوناگون ثابت کرده‌اند هوای هم‌نوعانشان را دارند. دیروز در همین صفحه گفتیم که مردم استانمان به پویش «هر خانه یک اتاق گرم» پیوسته‌اند و در مصرف گاز صرفه‌جویی چشمگیری شده است. پس عبور از این بحران با کمک و مشارکت خودمان شدنی است. هم‌اینک می‌توانیم کمی شعله‌های بخاری‌مان را کم کنیم و به تعداد لباس‌هایمان اضافه کنیم تا هرچه زودتر مشکل افت گاز در تربت جام حل شود و گرما را به هم‌وطنانمان هدیه دهیم.



غیرت پاسبانی از مرزها در سرمای بی‌سابقه

داماسنج داخل ماشین منفی ۲۵درجه را نشان می‌داد. بی‌شک در برجک دیده‌بانی و خودمرز این سرما بیشتر خواهد بود. همه درخت‌ها و سیم‌های خاردار و شیشه‌های پاسگاه یخ زده بود. باز هم می‌گویم، خیلی خیلی مردند. معاون فرهنگی واجتماعی مرزبانی خراسان‌رضوی، جملات شروع می‌کند. او و سردار مجید شجاع، فرمانده مرزبانی خراسان رضوی، عصر جمعه و به‌صورت سرزده راهی مرزهای استان شدند تا از نزدیک در جریان اوضاع مرزبان‌ها در این وضعیت جوی باشند.

او توصیفش برای وضعیت سرد مرز این گونه است: «این جوان‌ها غیرت دارند. عصر که می‌رفتیم،

مرز تعطیلی ندارد

استوار یکم میلاد هراتی همان نفر بعدی است که با او در هنگ مرزی سرخس گفت‌وگو می‌کنیم. با صلابت صحبت می‌کند: «ما اینجا هستیم که کشور در آرامش باشد. آسایش ما فدای آرامش کشور.» آن‌طور که می‌گوید، از سر علاقه مرزبان شده است: «بدرم مرزبان هنگ سرخس بود و من از همان کودکی با مرزبانی آشنا بودم. شهریور ۱۳۹۲ وارد فراجاو در نیروی انتظامی مشغول به‌کار شدم، اما به‌دلیل علاقه‌ای که داشتم، خودم درخواست دادم تا وارد مرزبانی شوم. در نهایت از سال ۱۳۹۸ محل خدمتم مرزبانی هنگ سرخس شد.» می‌گوید جذابیت‌های مرزبانی آن‌قدر زیاد است که برای جابه‌جاشدن و خدمت در مرزبانی تلاش کند: «جایی ایستاده‌ایم که خاک کشور شروع می‌شود. برای من و همه مرزبان‌ها، چه کادری و چه سرباز، اینکه از مرزهای کشور حراست و

مادر بوده و اینکه اینجا اوضاع خوب است، لباس کافی دارد، بخاری نفتی در آسایشگاه هست و خلاصه مشکل خاصی وجود ندارد. بخاری نفتی؟ درست شنیدیم؟ گویا تعجبمان برای محمدجواد تکراری است و بارها نظیرش را در سخنان دیگران هم دیده است: «هرکس می‌شنود، تعجب می‌کند که چرا این پاسگاه‌های مرزی گاز ندارند، درحالی‌که فاصله‌شان تا سرخس، شهری که روی گاز خوابیده است و پالایشگاه دارد، چند کیلومتر است. آب‌رسانی با تانکر به این پاسگاه با



سرخس را جویا می‌شویم. می‌گوید که آفتاب اینجا هم بی‌رمق است و سرمایش بیش از اندازه زیاد، منفی ۲۴ تا منفی ۲۷درجه. از دشواری پست‌های نگهبانی می‌گوید، اینکه نمی‌شود سرجایت بایستی و باید راه بروی تا دوام بیاوری؛ همین‌طور تمهیداتی که فرمانده پاسگاه برای عبور از این اوضاع سخت اندیشیده است. آخرین باری که با مادر همیشه‌نگران‌ش صحبت‌کرده، همین جمعه پیش بوده که برای عرض تبریک تماس گرفته است. محتوای مکالمه‌شان دل‌داری دادن به

با غرور و اعتماد به‌نفسی دل چسب حرف می‌زند، برازنده عنوان سرباز وطن. محمدجواد تلگردی بیست‌ویک‌ساله، متولد و بزرگ‌شده مشهد است و یازدهمین‌ماه خدمت‌سربازی‌اش را در هنگ مرزی سرخس سپری می‌کند، جایی که نه در تابستان‌های داغ و دمای چهل و چند درجه‌اش می‌شود رنگ آسایش را دید و نه در زمستانی که امسال رکورد ۲۷درجه سانتی‌گراد زیر صفر را شکست. هوای سرد و آفتاب کم‌جان مشهد را با او در میان می‌گذاریم و اوضاع این ساعت از صبح به وقت مرز

روزهای سرد زمستان و بهترین فرصت برای مطالعه

کتاب نمی‌خوانیم، حتی به وقت بیکاری!



در روزهایی که سرمایي کم نظیر بسیاری از ما را خانه‌نشین کرده است، فرصت کارها و تفریحات کم شده است، اما مجالی برای برخی امور فراموش‌شده پیش می‌آید و یکی از آن‌ها بازیابی عادت قدیمی مطالعه است. نکته اساسی همین جاست که چرا با وجود چنین فرصت‌هایی، باز هم به سراغ کتاب نمی‌رویم؟ درحقیقت یکی از سؤال‌های سخت زندگی این است که چرا بسیاری از اوقات آنچه را می‌دانیم درست است، انجام نمی‌دهیم؟

داستان ما و کتاب نیز از همین دسته است. تکراری است اگر بخواهیم درباره پایین‌بودن سرانه مطالعه در کشور یا فایده‌های هم‌نشینی با کتاب صحبت کنیم. مانند بسیاری مسائل دیگر، سؤال این نیست که چه کاری باید انجام شود. سؤال سخت اینجاست که چرا با وجود بارها چشیدن طعم لذت بخش تورق کتاب، اکنون کمتر به سمت آن می‌رویم. روزهای گذشته شاهد تعطیلی‌های پی‌درپی مدارس، دانشگاه‌ها و حتی ادارات بودیم و دیگر کسب‌وکارها هم با کاهش ساعات کار روبه‌رو بودند، اما چه میزان از این فرصت به مطالعه کتاب اختصاص پیدا کرد؟ جدا از مشغله‌های روزمره، چه عواملی هستند که فضای ذهنی و زمان روزانه ما را آن‌چنان اشغال می‌کنند که جایی برای چند صفحه مطالعه باقی نمی‌ماند؟

● همیشه پای یک گوشی در میان است!

آنچه ناخودآگاه و به مرور در یک دهه گذشته اتفاق افتاده، عادت به محتوای کوتاه و تلگرافی شبکه‌های اجتماعی است، به گونه‌ای که حوصله خواندن متن‌های بیشتر از چند خط را نداریم؛ همان اندازه که عموماً در صفحات فضای مجازی از مقابل چشم‌انمان می‌گذرد. به‌مانده‌که به تدریج عادت‌کرده‌ایم در رویارویی با یک مطلب، با انواع محتواهای چندرسانه‌ای، جذاب و پرورنگ و لعاب سرگرم شویم. اینجاست که هنگام ردست‌گرفتن یک کتاب، مطالعه متن‌های طولانی و صفحات پی‌درپی دشوار به نظر می‌آید. ماجرا وقتی جدی‌تر می‌شود که با رجوع به آمار و ارقام درمی‌یابیم در میان جوامع با بیشترین وابستگی به تلفن همراه در جهان هستیم، تا آنجا که روان‌شناسان از شیوع پدیده‌ای با نام «موبوفوبیا» (ترس دسوترسی‌نداشتن به تلفن همراه) در نسل امروز سخن می‌گویند. فراموش نکنیم که هریک از این دو عنصر (فضای مجازی و کتاب) کارکرد و فلسفه متفاوتی دارد، تا حدی که شاید نتوان مرور محتوای ارائه‌شده در شبکه‌های اجتماعی را مطالعه به معنای اصلی آن دانست. انبوه مطالع‌پراکنده‌ای که نه به انتخاب ما، بلکه به سلیقه فعالان فضای مجازی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، بی‌شک نمی‌تواند جایگزین مطالعه هدفمند و بابرنامه یک کتاب شود که سیر محتوایی مشخصی را دنبال می‌کند. درحقیقت بسیاری از حرف‌ها و مفاهیم را نمی‌توان در چند کلمه یا جمله خلاصه کرد و برای رسیدن به برخی معانی، لازم است در پیچ‌وخم‌های ذهن، مسیری طولانی را کندوکاو کرد تا به نتیجه رسید.

● چه توفقی از کتاب داریم؟

ازجمله دشواری‌هایی که برخی اوقات ما را از خواندن کتاب منصرف می‌کند، درگیری ذهنی است که هنگام مطالعه ایجاد می‌شود. حقیقت آن است که مطالعه نیاز به تمرکز و تلاش فکری برای درک و همراه‌شدن با سیر محتوایی اثر مکتوب دارد. ممکن است لازم باشد با دید نقادانه آن را ببینیم یا از سوی دیگر، سبب تغییر ذهنیت ما درباره آنچه می‌اندیشیم شود، چیزی که معمولاً تا حدی با مقاومت همراه است. از این رو با وجود لذت‌بخش بودن، چندان آسان نیست. به همین دلیل وقتی در رقابت با اموری مانند تماشای فیلم و سریال یا گشت‌وگذار در فضای مجازی قرار می‌گیرد، ناخودآگاه‌راه‌آسان‌تر را برمی‌گزینیم و «تماشاکردن» را به «خواندن» ترجیح می‌دهیم، اما از یاد‌نبریم زمانی که راه متغله‌انه تماشاکردن را برمی‌گزینیم، بیش از آن‌که همراه آن شویم، دنباله‌رو آن خواهیم بود؛ همان چیزی که هنگام مشاهده صفحه تلفن همراه، تلویزیون و امثال آن رخ می‌دهد. از این روست که نمی‌توان مطالعه را امری تفریحی و فقط برای پرکردن اوقات فراغت دانست. زیرا نه تنها ماهیت آن متفاوت است، بلکه در صورت چنین قیاس ناصوابی، بی‌شک رقابت را به زرق‌وبرق رسانه‌های تصویری واگذار خواهد کرد. به همین دلیل لازم است چنانچه قصدی برای مطالعه کتاب داریم، جایی مشخص در برنامه‌های روزانه و زمانی ویژه در میان مشغله‌های روزمره به آن اختصاص دهیم.

● تفاوت در کجاست؟

آمارهای متفاوت و متناقضی درباره میزان مطالعه در ایران و دیگر کشورهای جهان وجود دارد. مادر یکی از آمارهای پرتکرار، سرانه مطالعه هر ایرانی در سال گذشته شانزده دقیقه برآورد شده و این در حالی است که طبق گزارش‌های اخیر، سرانه مطالعه کشور هند بیش از دو ساعت ذکر می‌شود. این ارقام را بگذاریم کنار رشد کم‌نظیر اقتصاد هند که با پشت‌سرگذاشتن انگلیس، اکنون در جمع پنج اقتصاد بزرگ جهان قرار گرفته است، تا جایی که نخست‌وزیر این کشور در سخنانی گفت: «ما کسانی را که ۲۵۰ سال بر ما حکومت کردند، پشت‌سرگذاشتیم تا در اقتصاد جهان پیشرفت کنیم. ما از صدها سال بردگی بیرون آمدیم و حالا این فرصت را داریم و متوقف نخواهیم شد.» اینکه چگونه افزایش سطح مطالعه در سرنوشت جمعی جامعه اثر می‌گذارد، موضوعی است که چگونگی آن جای بحث بسیار دارد، اما کم‌تر کسی در صحت آن شک دارد. در این روزهای سرد زمستانی و ساعات طولانی درخانه‌ماندن، فرصتی داریم تا یخ مطالعه را آب کنیم. یک فنجان چای داغ، یک کتاب و گوشه‌ای دنج که همه چیزی است که می‌تواند از این لحظه‌های گذرا یک روز لذت‌بخش و پربار بسازد.

